

از کوزه همان برون تراود که در اوست!



www.suren-pahlav.com

Shapour SP
3756 / 2018

"یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور، ایران یک ملتی و تک ملیتی، حاکمیت ملی، فرهنگ و تمدن ایرانی، هویت، ارزش ها و مفاخر ملی که کورش بزرگ در صدر آن قرار دارد، خطر قرمزهای ایرانیا نیست که عشق میهن در سر و قلب دارند و به هیچ کس و ناکسی پروانه گذر از آن را نمی دهیم."

شخصی به نام علیرضا کیانی، یکی از اعضای اصلی گروه "حزب الله نو" یا "فَرَشْگَرْد" (نه به معنی "نوزایی"، بلکه "گرد و خاک نو کردن" [۱]) که پیش از برون آمدن از ایران، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه مازندران و عضو شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت نظام بود، [۲] و یکی از ۳۰ نامه نویس به ترامپ می باشد که از او دعوت کرده بود تا ایران را بمباران کند، [۳] در توئیت خود، ضمن توهین و فاشیست خواندن ایرانیان میهنپرستی که در هفتم آبانماه از کورش بزرگ تجلیل بعمل آورده بودند، کورش بزرگ را از یک "شخصیت تاریخی" مبدل به "اساطیر تاریخی" و افسانه ساخته و می نویسد:

"



Alireza Kiani

@alirezakiani2

Follow

#کوروش_بزرگ به عنوان یکی از اساطیر تاریخی رواداری شناخته می‌شود. اینکه فاشیست‌های ایرانی می‌خواهند زیر پرچم او سینه بزنند و پشت نام او سنگر بگیرند، از جمله طنزهای ماندگار زمانه ماست.

Translate Tweet

5:55 PM - 29 Oct 2018

31 Retweets 408 Likes



221 31 408

#کوروش_بزرگ به عنوان یکی از اساطیر تاریخی رواداری شناخته میشود. اینکه فاشیست‌های ایرانی می‌خواهند زیر پرچم او سینه بزنند و پشت نام او سنگر بگیرند، از جمله طنزهای ماندگار زمانه ماست. [[۲]]

بهر روی، مساله قابل تامل اینست که چگونه می‌شود، یک ایرانی، به‌مراه دوستان خود که گروهی بپا ساخته و مدعی می‌شود که فعالیت برای براندازی رژیم غوغاسلار مذهبی در ایران دارد و شاهزاده رضا پهلوی که سمبل پادشاهی مشروطه می‌باشد را بعنوان رهبر خود برگزیده اند، بجای احترام به کوروش بزرگ، که ایرانیان باستان به او لقب "پدر" داده و اگر او نبود امروز کشوری به نام ایران وجود خارجی نداشت، می‌تواند با چنین بی‌پروایی و گستاخی، دقیقاً به شیوه رژیمی که مدعی مبارزه با آن است و نیز ایرانستانخواهان [تجزیه طلبان] و دیگر ایرانفروشان [مزدوران بیگانه]، نه تنها به ملت ایران، بلکه به هویت ملی، که کوروش بزرگ بخش بزرگی از آن را می‌سازد توهین کند؟

پاسخ در اندیشه ها و باورهای ایرانستیزانه و ایران باستان زدایانه □ این عده دارد که در آن رشد و نمو کرده اند و این چنین

گفته ها و اندیشه های ایرانستزانه ایست که موجب می شود باند #فرشگرد مورد اعتماد قرار نگرفته و نه تنها کسی باور نکند که این عده به اشتباهات گذشته خود در پشتیبانی از رژیم اسلامی پی برده اند، بلکه با آنکه امروز کراواتی و نیمه اتو کشیده شده و مدعی براندازی می شوند، ولی در نهان در راستای اهداف نظام انجام وظیفه می کنند.

در هر روی، این شیوه ایرانستیزی، حاکی از درون و سرشت این عده است که نشان می دهد هنوز رهروان اندیشه های واپسگرایانه و ایرانستیزانه السید روح الله الخميني[[۵]] و بویژه السید میرحسین موسوی می باشند. برای نمونه، زمانی که رهبرشان، السید روح الله الخميني، با انزجار از فرهنگ و تمدن ایرانی می گفت:

”... ۱. آنها میخواستند که اصل ورق را برگردانند به همان زمان قبل از پد غمیر اکرم [ایران باستان]؛ به همان زمان سلاطین گبر متعددی آدمکش قهار؛ و آن طور رفتار کنند و بساط هم همان بنا باشد، 'پان ا' را از سم میکردند و شئون ایرانیّت[[۶]]!“

پس طبیعی می باشد که این عده نیز از فرهنگ و تمدن و هویت ملی متنفر و منزجر باشند. یا نمونه دیگر، السید میرحسین الموسوی، که از فرهنگ و تمدن ایران باستان، متنفر و منزجر بود و می نوشت:

”مسئله اتکاء به نظام ارزشی ایران پیش از ظهور اسلام، یعنی تکیه بر تاریخ هخامنشیان و ساسانیان و دوران سلاطینی که پیش از اسلام در ایران بودند و نظامهایی که آن مواقع در ایران وجود داشتند در کشور ما سوغاتی بود که بهمنظور اسلامزدایی از فرهنگ صادر شده بود. تکیه میشد بر ارزشهای ناسیونالیستی و بر عواملی نظیر خون و خاک و عناصری از این قبیل که در ناسیونالیسم به آن برخورد میکنیم. برگزاری هزارهی فردوسی در سال ۱۳۱۳ و پراستن زبان فارسی از کلمات عربی که بر اساس ناسیونالیسم صورت میگرفت توطئهایی از سوی غربیها برای نابودی اسلام بود. همان موقعی که در ایران با توسل به باستانشناسی، خرابیهای تخرجمشید از خاک بیرون کشیده میشد و تاریخی ساخته میشد تا ملت ما اجباراً به آن تاریخ افتخار کند، در حالیکه آن تاریخ کاملاً بیگانهایی از اسلام بود، تاریخ پیش از اسلام و ارزشهای آن هزاران سال بود که مرده بود و به این ترتیب دوباره احیاء میگشت. هنرمندان ایرانی از هنرها و ادبیات ایران صحبت میکردند ولی تمام

مجموعه‌های کارهایشان یک کلمه‌ی از داستان کربلا نبود[[۷]]،"

و

"استعمارگران میخواستند ملت ما را از هویت اسلامی خودش جدا کنند. این کار به‌طور سازمانیافته‌ی از کشور ما شروع شد و اثرات تخریبی به‌جای گذاشت. البته تنها سیاست اسلام‌زدایی نبود که در کشور ما پیاده میشد، همیشه حسابگری‌هایی هم برای آن وجود داشت مثل ناسیونالیسم. زنده کردن استخوانهای پوسیده و ارزشهایی که بر پایه آنها نظام مملکت به‌صورت جاودانه قلمداد میشد از مسایلی است که استعمارگران روی آن زحمت زیادی در کشور ما کشیدند. کار به‌جایی کشید که ما در عرصه فرهنگ و هنر یعنی در معماری می‌بایست از معماری دوران هخامنشی الگو می‌گرفتیم. ما برای اینکه بر این فاجعه فایق بیاییم شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی، شهید باهنر و... را قربانی دادیم [[۸]]،"

دوباره طبیعی است که به اندیشه و باورهای او بارمندند، وگرنه او برای اعضای فرشگرد، حکم روح القدس و استاد اعظم را نمی‌داشت.

از ارتجاع سیاه و انقلابین سرخ پنجاه و هفتی تا ائتلاف سرخ و سبز و آبی و سیاه ۹۷

یکی از گفته های خرمندانۀ ای که همیشه در نوشته های سیاسی خود بدان اشاره کرده ام، چون به آن باورمندم، گفته □ "ملت‌ی که از گذشته خود نمی آموزد، محکوم به تکرار آن می باشد"، از جورج سانتانا، فیلسوف اسپانیایی است. تاریخ همیشه تکرار می شود، و ملت هایی که آن درس گرفته که مبادا دوباره اشتباهات گذشته خود را تکرار کنند، سر بلند و آباد و شاد می باشند و ملت هایی که تاریخ و کارنامه گذشته افراد را در نظر نمی گیرند، از چاهی در آمده و به چاهی دیگری فرو می افتند. تاریخ نشان می دهد که در سال ۱۳۵۷، بیگانگان بر اساس طرح برنارد لوئیس [۹] با بهره وری از نیروهای واپسگرا و ایرانفروش [مزدور بیگانه] که شاه فقید ایران آن را "اتحاد سرخ و سیاه" نام نهاده بود، امروز ایران را برای ملت ایران دست و پا ساختند. ولی این پایان داستان ماجراجویی و سیاست های ضد ایرانی غربیان نیست، بلکه تاریخ باری دیگر در حال تکرار می باشد و تا آنکه ایران کهن را ایرانستان ن سازند از پلیدی دست نخواهند کشید. این بار کشورهای غربی، با بهره وری از همان نیروهای ضد ایرانی ولی در قالبی نو که امروز بایستی "اتحاد سرخ و سبز و آبی و سیاه" خواند، در زیر پوشش باصطلاح براندازی رژیم که خودشان در سال ۵۸ بر سر کار آوردند، درصدد تکرار تاریخ برای ما می باشند. این اتحاد شوم و پلید که متحد شدن توده ای های پیشین، هواداران جناح دولتی اصلاح طلبان (موسوی الهی ها)، بیگانه پرستان بویژه امروز ترامپ الهی ها و کلیت رژیم روضه خوانان در درون کشور است.

برای نمونه این گروه یا باند "فرشگرد" که دو سال پیش پدید آمدنشان را پیش بینی و خطرشان را هشدار داده بودم، [۱۰] متشکل از وابستگان رژیم جمهوری اسلامی (دو جناح دولتی اصلاح طلبان و اصولگرایان)، توده ای های پیشین، قوم گرایان و قوم سازان، [۱۱]، جنگخواهان [۱۲] و ایرانستانخواهان [تجزیه طلبان] [۱۳] می باشد. مضحکانه اینست که این عده که نام فرشگرد را از اندیشمان جهان بینی دین بهی برداشته اند، تا چندی پیش با اندیشه های شدید ضد زرتشتی، اندیشه های "ملی گرایی ایرانی" را "فاشیسم و نیرنگستان آریایی" می خوانند و برای تمسخر واژه □ "عاریایی" را مهینپرستان بکار می بردند، ولی امروز ادعای ملی گرایی و ایران دوستی می کنند.

در نتیجه، چون اعضای این گروه دست پروده های رژیم ایرانستیز و فاشیستی روضه خوانان و اشخاصی همچون خمینی و موسوی و باورمند به آرمان های اندیشمانی ایرانستیزانه رژیم می باشند، می توانند بدین آسانی بیشرمانه کورش ستیزی کرده و افتخارات ملی و ملی گرایی ایرانی را به تمسخر گیرند. شگفت انگیز نیست که واپسگرایان دیگر نظامی که این عده میوه های زهر آگین آن می باشند، بویژه اشخاصی همچون صادق خلخالی (قصاب انقلاب)، که کورش بزرگ را "راهزن و جنایتکار" می خواند و عبدالناصر بنی کنعان (معروف به ناصر بناکننده/ناصر پورپیرار)، دقیقاً همچون باورهای کیانی و گروه فرشگرد را داشته و کورش بزرگ و هخامنشیان را "افسانه" می خوانند!

پایان سخن

"از کوزه همان برون تراود که در اوست!" و "حزب الهی های دیروزی" و "احمد چلبی های وطنی" امروزی، حتا در زیر پوشش واژه "فرشگرد" ایرانی، هنوز همان حزب الهی های پیشین با اندیشه های ایرانستیزانه متنفر از ملی گرایی ایرانی می باشند در نهاد و سرشتش نهادینه شده است. ولی مساله دردناک اینست، همانگونه که روضه خوانان چهار دهه گذشته توانسته است با مهارت مردم ایران را به امید "ریختن یک قاشق ماست در دریا، آن را تبدیل به دوغ سازند" و هر چهار سال پای صندوق های رای ریاست جمهوری های انتصابی خود کشانده و به بقای خود مشروعیت بخشند، این عده نیز که این میوه های زهر آگین درخت مرگبار رژیم روضه خوانان می باشند،^{[[۱۳]]} و مدعی براندازی رژیم و آزادسازی ایران هستند، توانسته اند نه تنها خود را در قالب آزادیخواه و برانداز به گلوی بسیاری از مخالفان رژیم فرو کنند، بلکه تنها گزینه مطرح که برآستی توان براندازی رژیم را از راه مبارزات مدنی و بدور از خشونت دارد و شاهزاده رضا پهلوی است را به خود جذب کنند، که سرانجام آن تخریب او و پیروزی رژیم و اربابانش می باشد.

در پایان، نایستی از مد نظر دور ساخت، سرانجام ادامه بقای رژیم روضه خوانان، بدون هیچ گمانی جنگ و ایرانستان شدن ایران خواهد بود، ولی یک گزینه نادرست که بخواهد جایزین این رژیم شود، همان نتیجه را بدنبال خواهد داشت. بر این اساس، اگر کسی کمی اندیشه کرده و خرد خود را بکار گرفته و به تاریخچه، کارنامه و پیشینه این عده، نیم نگاهی افکند، به آسانی درمی یابد که این عده "آخوند برانداز نیستند، بلکه ایران براندازند." ولی در این میان بایستی به هوش و ذکاوت روضه خوانان آفرین گفت، که این گونه باندهای سیاسی را علم می کنند تا افرادی همچون این نگارنده از هراس آنکه مبادا رژیمی بدتر از خودشان بر سر کار آید، همه نیرو و تمرکز را از جنایت ها و خیانت هایشان دور و بسوی این عده معطوف ساخته و با این زبردستی خطر سرنگونی را از سر خود دور می سازند!

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

روز گوش از ماه آبان سال ۳۷۵۶ بهدینی

۳۰ اکتبر ۲۰۱۸ ترسایی

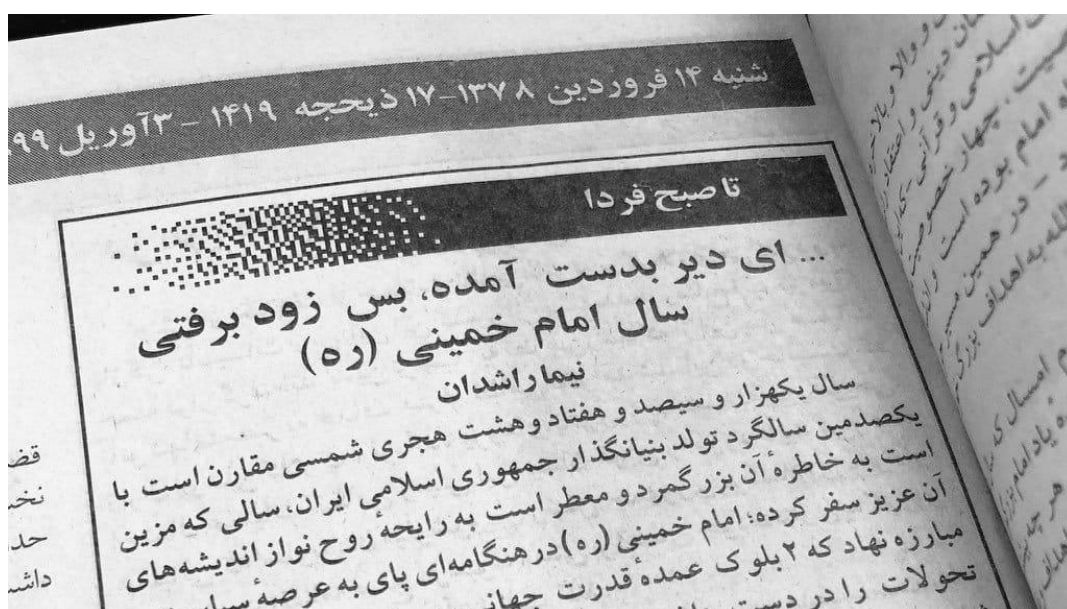
بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

۱ - تلفظ درست این واژه که در رابطه با جهان بینی دین بهی (زرتشتی) است، در زبان پارسی میانه (پهلوی) "فرآشگرد" / فرآشگیرد "gird(e)fraš" و در زبان اوستایی "فرشوکر تی" k̥r̥ti.fraš می باشد. ولی این عده به نادرستی واژه "فرشگرد" (farashgard) را برای خود برگزیده اند، زیرا بخود این زحمت را نداده اند که با چند دقیقه پژوهش در یک دانشنامه، تلفظ درست این واژه را فرا گیرند و از وبلاگ همگانی ویکیپدیا که اشتباه نوشته است را رونوشت برداری کرده اند.

۲ - شهادتنامه علیرضا کیانی - SL5KdY/gl.goo

۳ - سورنپهلو، شاپور، "رژیم ایرانفروش و طنز فروش و مخالفین نادان: پیرامون نامه نویسی سی تن باصطلاح مخالف ج.ا. به "داند" ترامپ" - <https://goo.gl/JK1CJa>

۴ - <https://twitter.com/alirezakiani2/status/1056967815083843584>



۵ - برای نمونه نیما را شدان، یکی دیگر از اعضای اصلی فرشگرد است که از مدح و ستایش خمینی در سال ۱۳۷۸ قلمفرسایی کرده بود (نگاه به تصویر سمت چپ)

۶ - سورنپهلو، شاپور، "ایران-باستانزدایی: سیاستی برای تغییر هویت ملی ایرانیان به یک هویت عاریه ای اسلامی-عربی و تبدیل ملت ایران به امت عربی"

۷ - سورنپهلو، شاپور، " آقای موسوی دم خروس را باور کنیم یا قسم ... ؟

۸ - همان

۹ - سورنپهلو، شاپور، "برنارد لوئیس، طراح تجزیه ایران، پدرخوانده بنیادگرایی اسلامی، سازنده ولایت فقیه و پدرمعنوی جمهوری اسلامی را بشناسید"

۱۰ - "رژیم ایرانفروش و طنز فروش و مخالفین نادان: پیرامون نامه نویسی سی تن باصطلاح مخالف ج.ا. به "دالند" ترامپ"

۱۱ - از جمله اکبر عطری، یکی از بنیانگذاران انجمن اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی است که چند سال پیش به همراه مریم معمارصادق با دریافت میلیون ها دلار از دولت آمریکا موسسه توانا، که صدای رسمی نفرت پراکنان قومی را بنیان گذاشته است. نیما راشدان از گردانندگان فکری این تارنما می باشد.

۱۲ - از جمله مریم معمارصادق، یکی از بنیانگذاران تارنمای توانا، کسی است که خواهان ایجاد جنگ و سوریه سازی ایران

از سوی آمریکاست: <https://www.youtube.com/watch?v=EzwsYY5jK70>

۱۳ - همچون امیرحسین اعتمادی که در سال ۱۳۸۹ در مقاله ای از فدرالیست شدن ایران، که در حقیقت تکه پاره شدن ایران است، دفاع کرده و نظام مطلوب خود را "جمهوری فدرال ایران" اعلام کرده بود، دیگری همچون مجید محمدی، طلبه و مدیر پیشین صدا و سیما و رئیس و جامعه‌شناس آمریکایی کنونیست که در دفاع از تجزیه ایران با عنوان "کوچک زیباست" مقاله ای منتشر کرده و همواره فدرالیسم و ایرانستان شدن ایران را تبلیغ می کند. برای خطرات فدرالیسم به نوشته این نگارنده مراجعه شود: "تجزیه خزنده": فدرالیسم، سرپوشی برای طرح تجزیه ایران" - http://www.suren-pahlav.com/pe/index.php?option=com_content&view=article&catid=1:political-article&id=150:federalism-or-the-balkanization-plan-for-iran